



Quarterly Scientific Journal of *Islamic Perspective on Educational Science*
Vol. 12, No. 24, Spring 2024, *Research Article*

The Theoretical Pattern of Hekmat Islamic School from the Viewpoint of the Educational Implications of Intellect

Rahmatollah Marzoughi¹, Sajjad Rezaeian²

DOI: 10.30497/ESI.2024.245545.171



Abstract

The Islamic worldview has paid great attention to the development of rational aspects in organizing the human intellectual and ideological system. Therefore, reliance on intellect and emphasizing the development of the intellectual dimension are the most important features of Islamic education and training. The present study aimed to investigate intellect and its educational implications in dimensions, namely foundations, origin, teacher, trainer, sermons and principles, environment, resources, obstacles, path, roadster, desire, knowledge, struggle, practice, destination, homes, stages, criteria, calculation and evaluation, supporters and incentives, methods, content, and products that are called twenty-one dimensions of education. This qualitative research is of a descriptive-analytical type and has been conducted using the content analysis method. The research population included all Quranic verses related to the research topic and other related documents in the form of books and articles and the sampling method was purposeful. Based on the findings of the research in Hekmat Islamic school, the education of educators should focus on nurturing all dimensions of intellect, including questioning, acting, and worshipping, so that in the shadow of this education, according to the divine teachings, the movement of life towards a wise path. Defining and explaining the twenty-one mentioned elements can organize the theoretical pattern of the Hekmat Islamic school in a way that also has a practical and executable approach. Utilizing these requirements can help guide and assist individuals in the path of education; therefore, these requirements can be a guide for parents, teachers, managers, experts, and other stakeholders in the education system.

Keywords: Islamic school of wisdom, educational implications, Intellectual education, theoretical Pattern.

1. Professor of Educational Management and Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran.
rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

2. PhD student in Educational Management, Shiraz University, Shiraz, Iran
(Corresponding Author).
Rezaeian.ie@gmail.com

الگوی مدرسه اسلامی حکمت از منظر دلالت‌های تربیتی عقل

رحمت‌اله مرزوقی^۱

سجاد رضاییان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

چکیده

در جهان‌بینی اسلامی، پرورش یافتن جنبه‌های عقلانی برای سامان‌دهی نظام فکری و ایدئولوژی انسان اهمیت فراوان دارد و بنابراین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی، تکیه بر عقل و تأکید بر پرورش بُعد عقلانی است. هدف از این پژوهش، بررسی عقل و دلالت‌های تربیتی آن در ابعاد مبانی، مبدأ، مریی، تربی، مواظ و اصول، محیط، منابع، موانع، مسیر، مرکب، میل، معرفت، مجاهدت، ممارست، مقاصد، منازل، مراحل، معیار، محاسبه و ارزیابی، معینان و مشوقان، متد (روش)، محتوا و محصول بود که ۲۱ «مبم» تعلیم و تربیت نامیده می‌شوند. پژوهش حاضر از نوع کیفی و توصیفی - تحلیلی بود و جامعه آن، آیات مرتبط با موضوع و دیگر اسناد دارای ارتباط با این حوزه در قالب کتاب و مقاله را شامل می‌شد. براساس یافته‌های این پژوهش، در مدرسه اسلامی حکمت، تربیت متربیان باید با تمرکز بر پرورش تمام ابعاد عقل، شامل عقل پرسشگر، کنشگر و پرستشگر صورت گیرد تا در سایه این پرورش مطابق با آموزه‌های الهی، حرکت زندگی در مسیر حکیمانه تحقق یابد. از طریق تعریف و تبیین عناصر ۲۱ گانه مذکور می‌توان الگوی مدرسه اسلامی حکمت را سامان‌دهی کرد؛ به گونه‌ای که رهیافتی عملی و اجرایی نیز در پی داشته باشد. بهره‌گیری از این الزامات، انسان را در مسیر تربیت یاری می‌دهد و هدایت می‌کند و بدین ترتیب، این الزامات می‌توانند راهگشای والدین، معلمان، مدیران، متخصصان و دیگر دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت باشند.

واژگان کلیدی: مدرسه اسلامی حکمت، دلالت‌های تربیتی، پرورش عقل، الگو.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استاد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

Rezaeian.ie@gmail.com

بیان مسئله

نوع نظام تعلیم و تربیتی که انتخاب یا طراحی می‌شود، به نحوه نگرش به انسان بستگی دارد و به همین دلیل، دیدگاه هر مکتب درباره انسان، اساس نظام تعلیم و تربیت آن مکتب را شکل می‌دهد. هر علم بر پیش‌فرض‌هایی ویژه در حوزه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی استوار است و بنابراین، نظریه‌ای که در مقایسه با دیگر نظریه‌ها حتی در یک موضوع علمی، زیربنایی متفاوت داشته باشد، نتیجه‌ای متفاوت نیز خواهد داشت و نظریه تربیت هم از این قاعده مستثنا نیست (قانع و عصاره‌نژاد دزفولی، ۱۳۹۶). اگر انسان را موجودی صاحب کرامت بدانیم که فطرتاً حقیقت‌جوی و کنجکاو است و قابلیت‌های لازم برای دستیابی به کمال و ترقی را دارد، نظام تعلیم و تربیت، متفاوت با زمانی خواهد بود که او را موجودی شرور و بدطینت به‌شمار آوریم که نظام تربیتی باید به‌رغم میل باطنی انسان از طریق اجبار و فشار بیرونی، او را به علم‌آموزی و رفتارکردن مطابق با ارزش‌ها و استانداردها مجبور کند (عظمت‌مدار فرد و بدخشان، ۱۳۹۰). از این منظر، برمبنای رویکردهای انسان‌شناختی می‌توان نظریه‌های عرضه‌شده در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی را براساس ساختار و آرایش فطرت، عقل، دل و نفس در قالب چهار نظریه تربیتی بدین شرح بررسی کرد: نظریه ساختاری - عملکردی فطرت‌محور، نظریه ساختاری - عملکردی عقل‌محور، نظریه ساختاری - عملکردی دل‌محور و نظریه ساختاری - عملکردی تزکیه‌محور (مرزوقی، ۱۴۰۱). اساس نظریه ساختاری - عملکردی فطرت‌محور، حاکمیت فطرت است و سبک زندگانی در ساختار فطرت‌محور از نوع موحدانه خواهد بود؛ بدان معنا که انسان حیاتی خداگونه خواهد داشت (نوروزی کوهدشت و مهدیان، ۱۳۹۵). در نظریه ساختاری - عملکردی دل‌محور، محوریت با دل است، سبک زندگانی، عارفانه خواهد بود و معرفتی که تولید می‌شود، از نوع عرفانی است. در نظریه ساختاری - عملکردی تزکیه‌محور، محوریت با نفس‌های لوّامه و مطمئنه است، سبک زندگانی، زاهدانه خواهد بود و معرفتی که تولید می‌شود، از نوع معرفت‌النفس است. در نظریه ساختاری - عملکردی عقل‌محور، محوریت با حاکمیت عقل است؛ به‌گونه‌ای که عقل، فطرت، دل و نفس را به خدمت خود درمی‌آورد. در اینجا عقل در معنای جامع اسلامی آن مدنظر است که کارکردهای آن عبارت از پرسشگری، کنشگری و پرستشگری هستند (مرزوقی، ۱۴۰۱).

مدل جامع عقل از نگاه اسلامی به صورت عرضه شده در این پژوهش (شکل ۱)، تصویری جامع و ناب از شیوه دستیابی به اهداف تربیت عقلانی از دیدگاه اسلام را نشان می دهد. تحقق یافتن اهداف تربیت عقلانی مبتنی بر این مدل، نیازمند داشتن نگاهی نظام مند و چندبعدی به مقوله عقل است. نگرش و جهان بینی انسان در ساختار عقل محور، مبتنی بر تفسیرها و تأویل های عقلانی است. سبک زندگی در ساختار عقل محور از نوع حکیمانه خواهد بود و معرفی که تولید می شود، از گونه حکمت است. این معرفت نه تنها ناظر به تعهد و التزام درونی به عمل است؛ بلکه معطوف به تفکر و عمل هدایت ورزانه و الهی نیز هست. دستاورد این ساختار، رشد و تعالی الهی خواهد بود.

در برنامه های تربیتی، متناسب با نوع ساختار و هدف، و به منظور تحقق بخشیدن آرمان های تعلیم و تربیت باید استراتژی هایی مناسب در تنظیم زیرساخت های تربیت به کار گرفته شوند. طرح ریزی سبک زندگی حکیمانه، نیازمند الگوی نظری مرتبط با تعلیم و تربیت اسلامی عقل گراست. بررسی پژوهش های مرتبط با موضوع این مقاله نشان می دهد تاکنون، پژوهشی درباره الگوی مدرسه اسلامی حکمت از منظر دلالت های تربیتی عقل صورت نگرفته و در پژوهش های انجام شده، عموماً تربیت از دیدگاه اسلام و قرآن یا تربیت عقلانی مدنظر بوده است. پژوهش های صورت گرفته در زمینه تربیت عقلانی بدین شرح اند:

قیصری گودرزی (۱۴۰۲) در مقاله ای با استفاده از روش های توصیفی و تحلیلی، سخنان امیر مؤمنان (ع) را واکاوی کرده و توانسته است مبانی و اصول ناظر بر تربیت عقلانی را احصا کند. عشوری و خوشناموند (۱۴۰۱) در مقاله ای با استفاده از روش کیفی و نیز شیوه توصیفی و تحلیلی - استنباطی، مبانی، اهداف، اصول و روش های تربیت عقلانی از منظر شهید مطهری را معرفی و تبیین کرده اند. تقی زاده پاسندی، قاسمی و میریان (۱۴۰۱) در مقاله ای با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، آثار و اهداف تربیت عقلانی را با تکیه بر سیره صادقین (ع) بررسی کرده اند. عادل زاده نایینی، نوروزی و رحمانی (۱۴۰۱) در مقاله ای با استفاده از روش استنتاجی، اهداف، اصول و روش های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی را بررسی و سه روش آموختن علم، مشاهده و کسب تجربه را به عنوان روش های مؤثر در تربیت عقلانی معرفی کرده اند. آقایی و شرفی (۱۳۹۹) در مقاله ای با استفاده از روش کیفی و شیوه مطالعه تحلیلی - اسنادی، تربیت عقلانی مرتبط با اهداف، اصول و روش را براساس

دیدگاه‌های علامه طباطبایی استنتاج کرده‌اند. رضایی، نوروزی و سپاهی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با استفاده از روش کیفی و نیز شیوه توصیفی و تحلیلی، در پی بررسی آثار جوادی آملی به روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل آن‌ها با روش تحلیل محتوا، کارکردهای تربیت عقلانی از دیدگاه ایشان را تبیین کرده و دریافته‌اند مفهوم تربیت عقلانی از دیدگاه جوادی آملی، تزکیه نفس و تهذیب روح است. پورمحمودی و ملکی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای اندیشه‌های مرتبط با تربیت عقلانی از منظر علامه جعفری را در زمینه اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی به منظور به‌کارگیری در حوزه تعلیم و تربیت بررسی کرده‌اند. بهشتی و رشیدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، اصول تربیت عقلانی را به دو دسته عام و خاص تقسیم‌بندی و بررسی کرده‌اند. قاسم‌پور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای راهکارهای تربیت عقلانی را در به‌کارگیری روش‌هایی مانند تعلیم علم و حکمت، تهذیب نفس، و ایجاد بسترهای لازم برای بروز تفکر بر شمرده است. خلیفه و مرعشی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی را از قرآن و روایات استخراج کرده و به سه مبنا، سه اصل و چهار روش تربیتی، شامل تفکر، تزکیه، تعلیم حکمت و تجربه‌اندوزی دست یافته‌اند. صفایی مقدم، رشیدی و پاکسرشت (۱۳۸۵) در مقاله‌ای ضمن معرفی ویژگی‌های عقل، استلزامات تربیتی عقل را در قالب روش و برنامه بررسی کرده‌اند.

موفق‌بودن تربیت انسان در ابعاد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی، منوط به تربیت عقلانی است؛ همچنین برای تربیت بعد الهی و معنوی انسان باید بر تربیت عقلانی وی همت گماشت (رضایی، نوروزی و سپاهی، ۱۳۹۴). ضرورت تحقیق گسترده، و بررسی و تبیین الزام‌های تربیتی مفهوم اسلامی عقل اهمیت فراوان دارد و باید در پژوهش‌های مرتبط با تعلیم و تربیت مورد توجه ویژه قرار گیرد. اگرچه تاکنون، مطالعاتی ارزشمند درباره تربیت عقلانی صورت گرفته است، خلأ ناشی از وجود نداشتن مطالعه‌ای جامع احساس می‌شود که در آن، الزام‌های تربیتی عقل به صورت نظام‌مند عرضه شده باشد. در این مقاله، برپایه نظریه ساختاری - عملکردی عقل محور، دلالت‌های تربیتی عقل در ارتباط با مدرسه اسلامی حکمت در پارادایم تعلیم و تربیت اسلامی معرفی خواهد شد. بهره‌گیری از این الگو و الزام‌های مطرح‌شده در آن، انسان را در مسیر تربیت یاری می‌دهد و هدایت می‌کند؛ همچنین راهنمای والدین، معلمان،

مدیران، متخصصان و دیگر دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت است؛ بر این اساس، سؤال‌های اصلی پژوهش بدین شرح‌اند:

- الف) از منظر متون اسلامی، مفهوم عقل چیست؟
ب) دلالت‌های تربیتی مفهوم اسلامی عقل، کدام‌اند؟

روش پژوهش

این تحقیق از نوع کیفی بود و جهت جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها از روش کتابخانه‌ای و جست‌وجو در اسناد و پایگاه‌های اینترنتی و کتابخانه‌های دیجیتال استفاده شد. روش مورد استفاده برای سازمان‌دهی و انجام دادن تحقیق نیز از نوع تحلیلی-اسنادی بود؛ بدین صورت که با بهره‌گیری از منابع جمع‌آوری شده در خصوص موضوع پژوهش، به استنتاج دلالت‌های تربیتی عقل تحت عنوان ۲۱میم تربیتی پرداخته شد. این عوامل عبارت‌اند از: مربی، متربی، مواعظ و اصول، محیط، منابع، موانع، مسیر، مرکب، میل، معرفت، مجاهدت، ممارست، مقاصد، منازل، مراحل، معیار، محاسبه و ارزیابی، معینان و مشوقان، متد (روش)، محتوا و محصولات (مرزوقی، ۱۴۰۱). جامعه پژوهش، شامل آیات مرتبط با موضوع و دیگر اسناد در قالب کتاب و مقاله بود. منابع مورد نظر در این پژوهش به صورت هدفمند انتخاب شد؛ بدان معنا که بر اساس اهمیت و میزان ارتباط سند با موضوع، آیات و آثار مکتوب انتخاب و بررسی شد. فرم‌های فیش‌برداری به عنوان ابزار پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. پس از مطالعه و بررسی تحلیلی اسناد، داده‌های جمع‌آوری شده به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش با استفاده از شیوه‌های تحلیلی کیفی جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل شد.

۱. بررسی سؤال اول پژوهش

در اولین سؤال پژوهش، مفهوم عقل از منظر متون اسلامی مورد بررسی قرار گرفت.

۱-۱. معنا، مفهوم و ابعاد عقل از منظر متون اسلامی

برخی صاحب‌نظران عقل را به انواع گوناگون مانند عقل فلسفی، ریاضی، سیاسی، عملی، صوری، ابزاری و ارزشی تقسیم کرده‌اند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۲). در طبقه‌بندی‌ای دیگر، عقل به یازده نوع بدین شرح تقسیم شده است: عقل ابزاری به معنای نیرو و ابزار تسلط آدمی بر طبیعت؛ عقل متافیزیکی که شناسایی‌کننده احکام و اصول متافیزیکی مافوق طبیعت است؛ عقل نظری به عنوان نیروی اندیشنده در حوزه فراتر از اراده انسان؛ عقل عملی به معنای نیروی

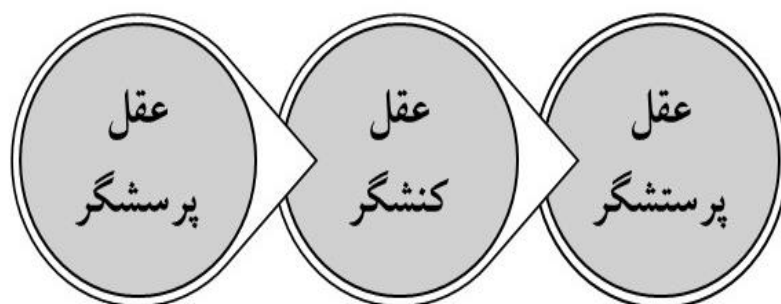
بررسی‌کننده هستی مرتبط با حوزه اراده انسان؛ عقل مفهومی که شناسنده موضوعات به واسطه مفاهیم ذهنی است؛ عقل شهودی که بدون وساطت مفاهیم ذهنی به شهود حقایق کلی و فراگیر نایل می‌شود؛ عقل قدسی یا نوع متعالی از عقل شهودی که با ارتباطی حضوری از حقایق بهره‌مند است؛ عقل عرفی یا عقلانیت فعلیت‌یافته ناشی از ادراک جمعی؛ عقل کلی یا نیروی ادراک حقیقت عینی فراطبیعی؛ عقل جزئی که نیروی ادراک‌کننده امور جزئی و محسوس است؛ عقل تجربی به معنای آن بخش از عقل نظری که با امور طبیعی مرتبط است و ضمن استفاده از محسوسات، قیاس‌های تجربی را شکل می‌دهد (پارسانیا، ۱۳۸۱).

در قرآن کریم واژه «عقل» به تنهایی استعمال نشده؛ اما مشتقات آن به کرات به کار رفته است. در آیات قرآن، سیزده بار از عبارت «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» برای دعوت کردن انسان‌ها به تعقل استفاده شده است؛ همچنین در هشت مورد، با استفاده از عبارت «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» به معنای «آیا تعقل نمی‌کنید» یا «باشد که تعقل کنید»، از انسان‌ها خواسته شده است همواره بیندیشند. در مجموع، تتبع در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد واژه «عقل» در متون اسلامی، در سه بُعد مرتبط با یکدیگر بدین شرح مطرح شده است که باید در تعریف جامع اسلامی عقل (مطابق شکل ۱) به صورت توأمان در نظر گرفته شوند:

الف) عقل اندیشه‌ورز یا عقل نظری (عقل پرسشگر): این عقل عبارت است از عقل به معنای اندیشه، توانایی ادراکی، و نیروی مُدرک و اندیشنده.

ب) عقل عمل‌ورز یا عقل عملی (عقل کنشگر): این مفهوم از عقل، ناظر به برقراری ارتباط بین شناخت و عمل است.

ج) عقل هدایت‌ورز یا عقل معنوی (عقل پرستشگر): یکی از وجوه و ابعاد عقل در معنای جامع اسلامی آن، عقل معنوی است. از منظر متون اسلامی، اگر عقل‌ورزی در سطح نظر و عمل به هدایت انسان و راه‌یافتن او به مبدأ و غایت هستی منجر نشود، این فرایند ناقص خواهد بود؛ به عبارت دیگر، بین عقل‌ورزی و هدایت، ملازمت تام و پیوستگی قطعی وجود دارد؛ یعنی عقل‌ورزی در هر دو سطح نظری و عملی آن باید به هدایت معطوف و مؤکول شود؛ زیرا اگر عقل به هدایت نرسد، آدمی از عقل‌ورزی در معنای اسلامی آن بازمی‌ایستد (مرزوقی، ۱۴۰۱، ص. ۳۱۵).



شکل ۱. عقل در معنای جامع اسلامی

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت از منظر متون اسلامی، عقل نظری و عملی صرفاً جنبه نظری، شناختی و کرداری محض ندارند؛ بلکه این دو باید در مقام ضبط و بازداري اندیشه، گفتار و رفتار باشند و در نهایت، زمینه را برای هدایت و رستگاری انسان فراهم آورند؛ به عبارت دیگر، عقل در تعریف اسلامی آن به معنای قوه عاقله، عامله، الی سبیل نجات است. توالی پیشنهاد شده در شکل ۱، تصویری جامع از شیوه طرح‌ریزی اقدامات مورد نیاز به منظور دستیابی به اهداف تربیت عقلانی از دیدگاه اسلام نشان داده شده است. بی‌شک، بدون داشتن نگاه نظام‌مند، فرایندی علی- معلولی و چندبعدی به مقوله عقل، انتظار پیاده‌سازی مدل تعلیم و تربیت عقل‌گرایانه، دور از انتظار خواهد بود.

۱-۲. تعلیم و تربیت عقل‌گرایانه و ابعاد آن

واژه «تربیت» از ریشه «ر ب و» به معنای نشوونما، برتر یافتن، زیاد کردن، پروراندن، بزرگ‌داشتن و ارزشمند کردن است (شکوهی، ۱۳۸۱). در قرآن کریم، مفهوم تربیت با ریشه «ر ب و» به صورت خاص ذکر نشده؛ اما از ریشه «ر ب و» استفاده شده است و در آیات زیادی این مفهوم را می‌توان یافت؛ بنابراین، تربیت در اسلام به معنای شناخت خداوند متعال به عنوان ربّ یگانه انسان و جهان، برگزیدن او به مثابه ربّ خود و تن‌دادن به ربوبیتش، و ترک ربوبیت غیر خداست (باقری، ۱۴۰۱). تربیت اسلامی را می‌توان عبارت از روش هدایت انسان به سوی معبود حقیقی در عالم و پرستش حداکثری او در همه ابعاد حیات دانست (قانع و عصاره‌نژاد دزفولی، ۱۳۹۶). عقل، حقیقتی است نورانی که هم ظاهر است و هم مظهر

روشن‌کننده تاریکی‌ها؛ به همین سبب، به وسیله آن می‌توان حق را از باطل تمیز داد. امام باقر (ع) فرموده‌اند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُئُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»؛ یعنی: «وقتی قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد. پس جمع می‌کند به وسیله آن، عقل‌هایشان را و کامل می‌کند به وسیله آن، اخلاق آن‌ها را» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۵۲، ص. ۳۳۶). براساس مُفَاد این حدیث دریافت می‌شود که در عصر ظهور حضرت حجت (عج)، عقول مردم به میزانی چشمگیر رشد می‌کند. این روایت نشان می‌دهد یکی از معیارها و ویژگی‌های لازم برای به کمال رسیدن جامعه، رشدیافتن عقول مردم آنجاست و به بیان روشن‌تر، اسلامیت، معادل با عقلانیت و عقلانیت نیز معادل با انسانیت است (مرزوقی، ۱۴۰۱). مداحی، شرفی جم و باقری نوع‌پرست (۱۳۹۶) عقل را یکی از عناصر بنیادین در حیات تکاملی انسان دانسته‌اند. همان‌گونه که مشاهده شد، در متون اسلامی بر بُعد عقلانی وجود انسان و لزوم تربیت آن تأکید فراوان شده و الزام اساسی آن است که برنامه تربیت عقلانی مبتنی بر رویکرد اسلامی با در نظر گرفتن معنای جامع عقل و تمام کارکردهای آن تنظیم شود (شکل ۱).

در مدل تعلیم و تربیت عقل‌گرایانه اسلامی برخلاف مدل تربیت عقلانی غیراسلامی که صرفاً به پرورش عقل پرسشگر و جست‌وجوگر یا عقل شناختی و نظری یا بعضاً عقل کنشگر می‌پردازد، باید به تربیت همه‌جانبه عقول پرسشگر، کنشگر و پرستشگر در حیطه‌های اهداف، محتوا، روش‌ها و دستاوردها توجه کرد؛ زیرا اساساً عقل اسلامی، خدامحور و هدایت‌نگر است؛ افزون بر آن، هدایت‌محوری عقل باید توأم با هدایت تشریحی الهی و درپرتو آن صورت گیرد؛ بدان معنا که تربیت عقلانی چه در معنای تکیه بر عقل به عنوان حجت درونی و چه با اتکا بر حجت بیرونی، یعنی پیامبران الهی باید در جهت دستیابی به هدایت باشد و همه کارکردهای کاوشگری و کنشگری عقل در راستای هدایت الهی تبیین، تحلیل و برنامه‌ریزی شود.

برای پرورش یافتن عقل، اعوان و انصار و موانع گوناگونی در متون اسلامی ذکر شده است؛ مثلاً در «باب عقل و جهل» از اصول کافی، بیش از ۷۲ مورد اعوان و انصار یا جنود عقل معرفی شده است که عبارتند از: علم، حلم، تقوا و موارد دیگر؛ در مقابل، بیش از ۷۲ نوع از جنود جهل نیز معرفی شده‌اند. در بررسی، مطالعه و تدوین برنامه تربیتی پرورش عقلانی

از منظر اسلام، این گونه فضایل و رذایل باید مورد توجه قرار گیرند و از این منظر می‌توان گفت تربیت عقلانی در مدل و معنای اسلامی آن، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است.

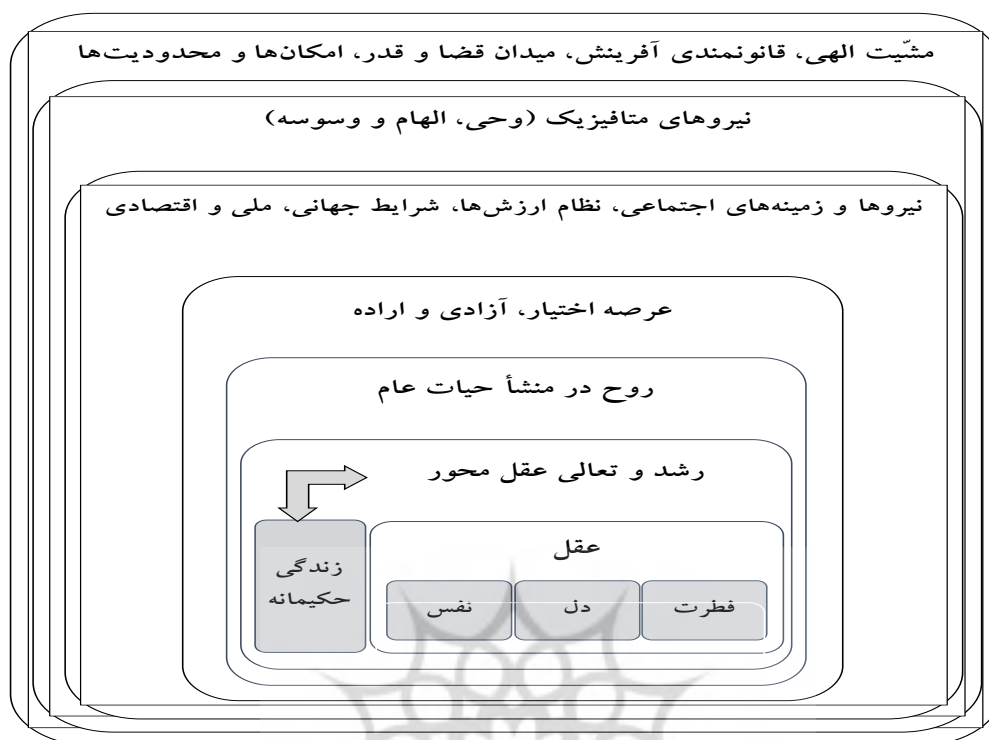
۲. بررسی سؤال دوم پژوهش

همان‌گونه که در بخش روش‌شناسی اشاره شد، در یک رویکرد تربیتی، انتخاب و اتخاذ نحوه دستیابی به مقصد و آرمان‌های مورد نظر، نیازمند توجه به الزام‌هایی است که «۲۱ میم تعلیم و تربیت» نامیده می‌شوند. شناخت این الزامات و توجه به آن‌ها برای تدوین یک برنامه تربیتی جامع در حوزه‌های پرورش عقل (مدرسه حکیمانه)، فطرت (مدرسه موحدانه)، قلب (مدرسه عارفانه)، نفس (مدرسه زاهدانه) یا هر نوع نظام تربیتی دیگر، ضروری است؛ بنابراین، دومین سؤال پژوهش، آن است که دلالت‌های تربیتی مفهوم اسلامی عقل چیست.

۳. مدرسه اسلامی حکمت

مدرسه، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و تمام اقدامات، برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در همه سطوح، زمانی معنا می‌یابند که تغییر در مدرسه اتفاق بیفتد. مدرسه، محل تلاقی افکار، باورها، و نهایتاً صورت گرفتن رفتارهایی است که باید مورد توجه قرار گیرند و اصلاح شوند. مدرسه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، محور اصلی تعلیم و تربیت تعریف شده و در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴، اساس رویدادهای فرهنگی و تربیتی با نگاهی بسیار بلند و نافذ به‌شمار آمده است. اگر مدارس، رویکردی تعقل‌گرایانه و کارآمد، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی داشته باشند، انسان‌هایی حکیم را برای ورود به عرصه جامعه تربیت خواهند کرد.

تدوین برنامه تربیتی، معطوف به نوع ساختار، و ترکیب و آرایش عقل، دل، فطرت و نفس است. در برنامه تربیتی عقل‌گرا محوریت با حاکمیت عقل است؛ به گونه‌ای که عقل در مفهوم جامع اسلامی آن، فطرت، دل و نفس را به خدمت می‌گیرد. براساس نظریه ساختاری-عملکردی عقل‌محور، نحوه چینی و چهارچوب پیشنهادی این ساختار، مطابق شکل ۲ است.



شکل ۲. ساختار مبتنی بر محوریت عقل (مرزوقی، ۱۴۰۱)

به منظور تحقق یافتن آرمان‌های پرورش عقلانی در معنای اسلامی آن در مدرسه اسلامی حکمت و با توجه به شکل ۲ باید آرمان‌ها، اهداف کلی، روش‌های تربیت، محیط تربیت، نقش مربی، نقش متربی، مراحل رشد عقلانی و موانع رشد آن در یک برنامه تربیتی اسلامی عقل‌گرا تهیه و تنظیم شود؛ زیرا از این منظر، عقل ارزشی و ربانی، بنیاد، سرمایه، مسیر و جهت تربیت را مشخص می‌کند و پرورش توأمان دل، فطرت و نفس نیز نقش حمایتی در دستیابی به آرمان نهایی تربیت اسلامی، یعنی تربیت انسان با ویژگی خرد ناب اسلامی یا همان اولوالالباب دارد. در ادامه، چشم‌انداز، مأموریت و دلالت‌های متناسب با مدرسه اسلامی حکمت در پارادایم تعلیم و تربیت اسلامی معرفی می‌شود.

۳-۱. چشم‌انداز مدرسه اسلامی حکمت

هدف غایی مدرسه اسلامی حکمت، تربیت متربیان با ویژگی‌های خرد ناب اسلامی است. از نظر علامه جعفری (۱۳۹۷)، هدف غایی تربیت عقلانی، عبادت و بندگی خداست. آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۹۰) غایت تربیت عقلی انسان را تهذیب و تزکیه نفس، محبت راستین و حیات حقیقی دانسته است. به عقیده علامه طباطبایی (۱۴۱۷ق)، غایت تربیت عقلی، دست‌یافتن انسان به مرتبه قرب الهی و عبودیت است. از دیدگاه فارابی (۱۹۹۵)، غایت تربیت عقلی انسان، نیل به الله است.

۳-۲. مأموریت مدرسه اسلامی حکمت

مأموریت این مدرسه، تربیت‌کردن متربیان با تمرکز بر پرورش تمام ابعاد عقل پرستشگر، کنشگر و پرستشگر است تا درسایه این پرورش مطابق با آموزه‌های الهی، زندگی در مسیر حکیمانه قرار گیرد و پیش برود.

۳-۳. الزام‌های نظری مدرسه اسلامی حکمت

۳-۳-۱. مبانی تربیت عقلی

مبانی تربیت را بر دو نوع عام و خاص می‌توان تقسیم کرد. مبانی عام، زمینه‌هایی را دربر می‌گیرد که معمولاً خارج از حوزه تعلیم و تربیت قرار دارند و تعلیم و تربیت براساس آن زمینه‌ها دنبال می‌شود. این زمینه‌ها شامل اقسام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فناورانه جامعه هستند. مبانی خاص نیز عبارت‌اند از توصیف‌ها و تعاریفی که درباره انسان به عنوان موضوع تربیت بیان می‌شوند (باقری، ۱۴۰۱؛ مرزوقی، ۱۴۰۱). هنگامی که از مبانی تربیتی سخن گفته می‌شود، باید گزاره‌هایی کلی را از آیات و روایات اسلامی درباره عقل استخراج کرد که به منزله راهنمای عمل هستند و تدابیر تعلیمی و تربیتی را هدایت می‌کنند (خلیفه و مرعشی، ۱۳۹۰). مبانی تربیتی، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها هستند که درباره همه انسان‌ها صدق می‌کنند؛ مانند کرامت و حب نفس یا دل‌بستگی. اصول و روش‌ها براساس همین مبانی تعریف می‌شوند (قاسم‌پور، ۱۳۹۰). در این پژوهش، به منظور استخراج مبانی تربیتی درباره عقل، براساس دیدگاه اسلام، سه مبنا بدین شرح به عنوان گزاره‌های کلی در نظر گرفته شده - اند: «عقل، رسول باطنی است»، «فضیلت عاقل بر جاهل» و «ملازمت عقل و علم»؛ سپس اصول تربیتی از این مبانی استخراج و سرانجام، روش‌های تربیتی از این اصول استنباط شده‌اند.

۳-۲-۳. مبدأ تربیت عقل

تربیت عقلانی، یکی از ابعاد مهم تربیت محسوب می‌شود که می‌توان آن را مبنایی‌ترین محور در تربیت دینی قلمداد کرد. ویژگی بارز این بُعد، تأکید فراوان بر عقل و معرفت عقلانی است؛ به گونه‌ای که دین و دین‌داری با استفاده از معیار عقل ارزیابی می‌شود. در تربیت معرفت‌اندیش که در عقلانیت ریشه دارد، گوهر هدایت از سنخ شناخت است، عاطفه و شور و هیجان، کم‌رنگ‌اند و شناخت و فهم اهمیت فراوان دارد. تربیت در مدرسه اسلامی حکمت، صبغه الهی دارد و در آیات متعدد قرآن کریم درباره اهمیت الهی‌بودن انسان و حیات او سخن گفته شده است؛ چنان‌که در آیه ۷۲ از سوره مبارکه ص، انسان، مخلوق خداوند متعال دانسته شده و بنابراین، زمینه حرکت به سوی خدا در وجود او مستتر است؛ همچنین مطابق آیه ۱۵۶ از سوره مبارکه بقره^۱، تربیت در وجود انسان، ماهیتی «از او» و «به سوی او» دارد؛ بدان معنا که مبدأ و مقصد، تربیت الهی است

۳-۳-۳. مربی و مربی در تربیت عقلانی

منظور از تربیت عقلانی نه آموزش‌دهی اندیشه‌ها، بلکه فراتر از آن، آموزش‌دادن اندیشیدن است. صاحب‌نظران آموزشی نیز امروزه، بیش از توصیه‌کردن به انتقال دانش و اطلاعات، بر پرورش‌دهی مهارت‌های اندیشیدن و توجه به آموزه‌های تربیت عقلانی تأکید می‌کنند (ساجدی و خطیبی، ۱۳۹۲)؛ به همین سبب، آموزش‌دادن تفکر خلاق و انتقادی از مؤلفه‌های تربیت عقلانی به‌شمار می‌آید. کودک و نوجوانی که عقل را شاخصی برای تمایزبخشیدن حق از باطل بداند، در مواجهه با چالش‌ها و شبهه‌های مختلف، با هر بادی که می‌وزد، به هر سو متمایل نمی‌شود. چنین کودک و نوجوانی که با تربیت عقلانی رشد کرده است، درست می‌اندیشد و تصمیم منطقی می‌گیرد. وی در صورت لزوم، بدون هیچ هراسی از رفتارها و دیدگاه‌های خود دفاع خواهد کرد و این احتمال که در دوران بزرگسالی دروغ بگوید، در امانت خیانت کند، از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی کند، حق را پایمال کند و... به میزانی بسیار چشمگیر کاهش می‌یابد. معلمان نیز الگوهای عملی برای زندگی اغلب کودکان و نوجوانان هستند و سبک و نوع رفتارشان در تربیت دانش‌آموزان، بسیار مؤثر است؛ به همین

۱. فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.

۲. الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.

دلیل، در مدرسه اسلامی حکمت، نقش معلمان و شیوه رفتارشان مسئله‌ای کلیدی و مهم محسوب می‌شود.

مرئی می‌تواند با استفاده از راهکارهایی بدین شرح، زمینه و فضای مساعد را ایجاد کند تا اندیشه و خرد مرتبی به بهترین شکل تقویت و تربیت شود:

- فراهم کردن زمینه برای تفکر؛
- آموزش‌دهی مبتنی بر عقلانیت؛
- تشویق به آگاهی و علم‌گرایی؛
- تشویق به مشاهده و مطالعه؛
- تقویت حس کنجکاوی و پرسشگری؛
- اهمیت دادن به تجربه‌اندوزی؛
- آموزش دادن تفکر؛
- درک محضر حکما و عقلا.

۳-۳-۴. مواظ و اصول تربیتی

در تعریف اصول تعلیم و تربیت گفته‌اند: مقصود از اصول، جست‌وجوی آن‌گونه مبانی عقلانی و مقیاس‌هاست که به وسیله آن‌ها می‌توان در هر مورد، با کمال سهولت، رفتار پرورشی مطلوب داشت؛ یعنی رفتاری که توسط آن می‌توان هر وضع خاص تربیتی و به دیگر سخن، هر طفل را از موقف خاص خود به هدف مطلوبش رساند (هوشیار، ۱۳۳۵). با توجه به تعریف ذکرشده، اصول تربیت دینی از دیدگاه اسلام بدین صورت تعریف می‌شود: «مفاهیم یا گزاره‌های کلی انشایی یا بایدمحور، مستخرج از متون اسلامی که معیار و راهنما و حاوی روش‌های تربیتی است» (بهشتی، ۱۳۹۹). شناخت اصول و درک چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر و کارکردشان در تعلیم و تربیت اسلامی، مسئله‌ای بسیار مهم و ضروری است. بهشتی و رشیدی (۱۳۹۲) اصول تربیت عقلانی را شامل موارد زیر دانسته‌اند:

الف) اصول عام: این اصول به منظور پرورش یافتن هماهنگی بین عقل نظری و عقل عملی کاربرد دارند و موارد زیر را شامل می‌شوند:

- اصل اعتدال: واژه «اعتدال» درمقابل افراط و تفریط به کار می‌رود. افراط به تورم می‌انجامد و تفریط به کمبود و نقصان منجر می‌شود (ملکی، ۱۳۸۳). تربیت صحیح، توأم با

اعتدال است و انسان را به سوی راه مستقیم سعادت هدایت می‌کند؛ بنابراین، مربی باید در هر فعل تربیتی، مربی را در اعتدال بیم و امید هدایت کند. بهترین زمینه برای رشد و تعالی، اعتدال با بیم و امید است. در چنین زمینه‌ای خداوند متعال انسان‌ها را به سوی کمال هدایت می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵).

- اصل لزوم هماهنگ بودن علم و عمل؛

- اصل هماهنگی با فطرت؛

- اصل آزادی مبتنی بر عقل.

ب) اصول خاص مربوط به عقل نظری: این اصول، موارد ذیل را شامل می‌شوند:

- اصل یکپارچگی تجربه‌اندوزی، علم‌آموزی و اندیشه‌ورزی؛

- اصل تمایز علم، اندیشه و تجربه مفید از علم، اندیشه و تجربه غیر مفید؛

- اصل ضرورت روح علمی؛

- اصل جست‌وجوی حکمت؛

- اصل تلازم عقل و علم؛

- اصل ضرورت منع حکمت‌آموزی از افراد ناشایست.

ج) اصول خاص مربوط به عقل عملی: این اصول، مشتمل بر موارد ذیل‌اند:

- اصل رعایت کردن مراحل تزکیه نفس؛

- اصل تعیین وظایف متناسب با توانایی؛

- اصل ضرورت اطاعت عقل از فرمان الهی.

پورمحمودی و ملکی (۱۳۹۴) اصول تربیت عقلانی را بدین شرح برشمرده‌اند: اصل تعقل

برین، اصل توازن عقل و احساس، اصل استمرار و یادگیری، و اصل طهارت قلب.

۳-۳-۵. محیط

محیط عبارت است از تمام متغیرهای خارج از وجود فرد که از آغاز انعقاد نطفه او تا هنگام تولدش و سپس تا زمان مرگ، وی را دربر می‌گیرند، بر او اثر می‌گذارند یا از وی اثر می‌پذیرند (مصباح، ۱۳۷۴). محیط تربیتی، شامل مجموعه عوامل طبیعی و اجتماعی‌ای است که از زمان شروع زندگی فرد، یعنی از زمان انعقاد نطفه او تا هنگام مرگش بر او اثر می‌گذارند. این عوامل بر اقسام فیزیکی، اقلیمی، روانی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی،

اجتماعی، مجازی و رسانه‌ای تقسیم می‌شوند (مرزوقی و امیری، ۱۳۹۷). عوامل محیطی بر شخص، اثرهای مثبت یا منفی می‌گذارند و در تربیت و پرورش او اهمیت فراوان دارند. محیط سالم، پاک و آرام، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری عادات است. یقیناً در محیط متکثر و پر از الگوها و رفتارهای گوناگون و القاهای متفاوت و متضاد، شکل‌گیری عادات و باورهای دینی با مشکل مواجه خواهد شد؛ لذا فراهم کردن محیط تربیتی مناسب و نسبتاً هماهنگ در خانه و مدرسه برای تحقق یافتن تربیت شایسته، بسیار مفید است؛ البته در سنین بالاتر و بعد از شکوفایی عقل و کسب بینش‌های لازم، حفاظت از دستاوردهای تربیتی در مقابل عوامل مخرب محیطی برعهده خود فرد و عقل او خواهد بود. شهید مطهری اهتمام در اصلاح محیط اجتماعی را شرط لازم برای تربیت عقل دانسته و معتقد است جوامعی که قصد دارند زمینه‌های رشد فکری پست را در جوامع دیگر ایجاد و تقویت کنند، زمینه فساد اخلاقی و اجتماعی آن جامعه را فراهم می‌آورند و برای فراهم کردن این زمینه، محیط اجتماعی را با وسایلی که در اختیار دارند، فاسد می‌کنند تا دیگران را به گمراهی بکشانند (مطهری، ۱۳۸۹).

مدرسه اسلامی حکمت، محیطی است برای تربیت کردن انسان‌هایی مؤمن و متخلق به اخلاق اسلامی، متعهد به مسئولیت‌ها و وظایفشان در برابر خدا و خود و دیگران و طبیعت، عاقل، حقیقت‌جوی، خواهان عدالت، صلح‌طلب، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع، ایثارگر، وطن‌دوست، جمع‌گرا، منتظر و جهانی‌اندیش، بااراده، امیدوار، خودباور، دارای عزت‌نفس، دانا و توانا، پاکدامن و باحیا، انتخابگر و آزادمنش، خلاق و کارآفرین و مقتصد، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر، و آماده برای ورود به انواع تربیت تخصصی و شغلی برای دست‌یافتن به زندگی شایسته فردی و خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی. در مدرسه اسلامی حکمت، دانش‌آموزان با مفاهیم اخلاقی و ارزش‌های اسلامی آشنا می‌شوند و در روابط و مناسباتشان با خداوند متعال، خود، دیگران و جامعه، با تکیه بر این ارزش‌ها عمل می‌کنند. هدف اصلی این مدرسه، نزدیک شدن دانش‌آموزان به خدا و خدمت کردن به قصد قربت الهی است. مدرسه اسلامی حکمت، بستری را فراهم می‌آورد تا در آن، متربی ضمن کسب دین، به این باور برسد که آموزه‌های دینی همراه با تعقل‌گرایی می‌تواند بشر را در حل کردن مسائلش یاری دهند.

۳-۳-۶. منابع و محتوا در تربیت عقلانی

تمام معارف و دانش‌های انسانی، قابلیت به‌کارگیری به‌عنوان محتوا در حوزه تربیت عقل را دارند؛ اما از جمله منابع دارای نقش مؤثر در تربیت عقلانی می‌توان قرآن کریم و نیز تعالیم و دستورهای انبیا را نام برد. در قرآن کریم به‌عنوان کتاب الهی، برای تبدیل شدن متربیان به عالمان عامل، سازوکارها، تدابیر، دستورالعمل‌ها و راهکارهایی مهم ذکر شده است؛ از این روی، در پی تعقل و تدبر عمیق در این کتاب آسمانی می‌توان به اهداف، اصول و روش‌هایی برای پرورش دهنی عقل در دو بُعد نظری و عملی دست یافت.

۳-۳-۷. مسیر تربیت عقلانی

در مدرسه اسلامی حکمت، حرکت صرفاً از بزرگراه عقل صورت می‌گیرد که براساس تفسیرها و تأویل‌های عقلانی بنا شده است. در این مسیر، فطرت به‌عنوان یک قطب‌نما و جهت‌یاب الهی و همچنین دل با معنای اسلامی آن، عقل ربانی را پشتیبانی و همراهی می‌کنند (مرزوقی، ۱۴۰۱).

به‌طور کلی، برنامه تربیتی پرورش عقل با اتکا به معنای اسلامی عقل باید براساس تعریف انسان، معنای عقل، معنای تربیت عقلانی، اهداف تربیت عقلانی، محتوای تربیت عقلانی و روش‌های تربیت عقلانی صورت گیرد و در طراحی و تدوین عناصر برنامه تربیتی یادشده باید از متون اسلامی استفاده کرد؛ مثلاً در متون اسلامی، انسان‌ها به تفکر و تعقل دعوت شده‌اند و روش‌های گوناگونی در این زمینه معرفی شده است. برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از: تفکر در آیات الهی، تفکر در آفرینش انسان، تعقل در آثار گذشتگان و عبرت-آموزی از پیشینیان.

۳-۳-۸. مرکب

در نظریه ساختاری عقل‌گرا محوریت با حاکمیت عقل است و نفس به‌عنوان مرکب و دل در معنای اسلامی آن، عقل را پشتیبانی و همراهی می‌کنند. در نظریه عقل‌گرایانه، هدف، دستیابی به سبک زندگی حکیمانه است و انسان به‌عنوان خلیفه الهی، کسب مقام اولوالالباب را در نظر دارد. به‌منظور رسیدن به این جایگاه باید علاوه بر بیدارسازی و شکوفایی فطرت، مدیریت دل و نفس، همراه و همگام با عقل در مفهوم جامع اسلامی آن صورت گیرد.

۳-۳-۹. میل و معرفت در تربیت عقلانی

مکتب تربیتی اسلام برای بهره‌گیری بیشتر از دین و حاکمیت‌بخشیدن آن بر زندگی عادی انسان و مبارزه با دریافت تقلیدی، نخست، همگان را به تفکر و تعقل در مفاهیم و مبادی دین، و کشف حقایق دینان الهی از میان ادیان سنتی و موروثی دعوت می‌کند و به‌شدت، آنان را از تقلید کورکورانه بازمی‌دارد (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۵)؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال، ۲۲)؛ یعنی: «همانا بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند، کسانی هستند که تعقل نمی‌کنند و از شنیدن و بیان حق، ناتوان‌اند». مطابق مفاد این آیه شریفه، انسان با استفاده از آزادی و اختیار خودش انتخاب می‌کند و یکی از معیارهای ضروری در تربیت عقلانی، بهره‌گیری از اختیار و آزادی است.

معرفت در تربیت عقلانی از نوع آگاه‌شدگی بیرونی است. کسب معرفت یکی از روش‌های مؤثر در تربیت عقلانی به‌شمار می‌آید و از سه راه می‌توان به این معرفت دست یافت: علم‌آموزی، مشاهده و کسب تجربه (عادل‌زاده نایینی، نوروزی و رحمانی، ۱۴۰۱). معرفت موردنظر در مدرسه اسلامی حکمت، همچون نام این مدرسه، از نوع حکمت است. این معرفت نه تنها ناظر به التزام درونی به عمل، بلکه معطوف به تفکر و عمل هدایت‌ورزانه و الهی نیز هست.

۳-۳-۱۰. مجاهدت، ممارست و مقاصد در تربیت عقلانی

تربیت عقلانی، فرایندی تدریجی و نیازمند به زمان است؛ به همین دلیل، در این حوزه باید صبر و تلاش فراوان کرد. دستیابی به میوه‌های تربیت عقلانی، مستلزم صرف وقت و تلاش مضاعف است. اهداف تربیت عقلانی عبارت‌اند از: پرورش قوه فهم آدمی درخصوص جایگاه خود در عالم، تقویت قوه تحلیل برای شناخت رابطه انسان با دیگر ابعاد خلقت، هدایت عقل به سوی تقویت ایمان در فرد و دستیابی به حالتی که عقل و ایمان منطبق بر یکدیگر باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۸). هرچقدر جنبه‌های معنوی تقویت شوند و فضای روانی مناسبی در وجود انسان شکل گیرد و نفس و تمایلات نفسانی، بیشتر تعدیل شوند، عقل و فکر رشد می‌کنند و توسعه می‌یابند (مرزوقی و صفری، ۱۳۸۶). تربیت متربی با ویژگی خرد ناب اسلامی، و دستیابی به مرتبه بندگی خدا و حیات حقیقی از جمله مواردی است که غایت و مقصد نهایی تربیت عقلانی قلمداد می‌شود.

۳-۳-۱۱. منازل و مراحل تربیت عقلانی

از دیدگاه قرآن، عقل، موهبتی الهی است که انسان توسط آن، علم نافع و هدایتگری ناشی از آن را به منظور انجام دادن عمل صالح کسب می‌کند و این علم و معرفت، خود موجب هدایت وی به سمت آیین حق می‌شود (مرزوقی، ۱۴۰۱). از این منظر، خداوند متعال در آیات متعدد قرآن کریم مانند آیه هجدهم از سوره مبارکه زمر به تلازم عقل و هدایت اشاره کرده است.^۱ ارزش عقل و به تبع آن، عقل‌ورزی از منظر متون اسلامی به صورتی خارق‌العاده مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که در *عوالی اللالی* از پیامبر (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: «عقل، نوری است که خداوند برای انسان آفرید». براساس مفاد این کلام نبی مکرم اسلام (ص)، گوهر عقل، ارزشمندترین نعمت الهی برای بشریت محسوب می‌شود؛ به همین جهت، انسان، اشرف مخلوقات نامیده شده و قادر به تشخیص دادن خیر از شر است. در حدیثی دیگر، آن حضرت فرموده‌اند: «مردم اعمال خیر و نیک انجام می‌دهند؛ اما پاداش آن‌ها در روز قیامت به اندازه عقل و خردشان می‌باشد» (پاینده، ۱۳۸۲). از این منظر می‌توان گفت عقل در مسیر زندگی، مانند چراغ برای اتومبیل است؛ زیرا افزون‌بر انجام دادن وظیفه پرتوافکنی، همانند نیرویی بازدارنده، احساسات تند و سرکش را مهار می‌کند و از طغیان کردن و خروج از مسیر صحیح یا سقوط و انحراف بازمی‌دارد. در تربیت عقلانی اسلامی، اولاً نباید از معانی جامع عقل غفلت کرد؛ ثانیاً تربیت عقلانی باید در پرتو هدایت الهی پیامبران مورد توجه قرار گیرد. در این معنا عقل به عنوان حجت و رسول باطنی با حجت و رسول ظاهری، یعنی برنامه تربیتی پیامبران الهی همراه می‌شود و آن‌گاه تربیت حقیقی عقلانی اسلامی تحقق می‌یابد.

۳-۳-۱۲. معیار در تربیت عقلانی

همان‌گونه که پیشتر در شکل ۱ ملاحظه شد، عقل در معنای جامع اسلامی آن، دارای سه کارکرد پرسشگری، کنشگری و پرستشگری است. به منظور ارزیابی عقل باید هر سه کارکرد آن را به صورت توأمان ارزیابی شود؛ و تفکیک آن‌ها از یکدیگر صحیح نیست؛ بدان سبب که جامعیت معنای عقل، در مدل اسلامی را دربر نمی‌گیرد و در نتیجه تربیت عقلانی مطلوب اسلام محقق نخواهد شد. مثلاً در قصار ۱۰۷ از نهج البلاغه آمده که ممکن است انسان عالم،

۱. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ.

اندیشمند باشد؛ اما عاقل نباشد و علم وی موجب هلاکتش شود؛ پس عقل‌ورزی باید به عمل‌ورزی بینجامد؛ وگرنه فرد عالم به دلیل داشتن علم صرف، عاقل قلمداد نمی‌شود؛ البته چنان‌که گفته شد، تلفیق نظرورزی و عمل‌ورزی در مسیر جهت‌یابی و هدایت الهی، معنای جامع عقل را از منظر معنای جامع اسلامی آن مشخص می‌کند؛ زیرا عقل، یک عنصر مسئول الهی و عامل هدایت و نجات انسان در هماهنگی با هدایت پیامبران الهی است. تأکید بر مقوله نجات‌بخشی و هدایت‌ورزی عقل نباید این تصور را در ذهن ایجاد کند که عقل به تنهایی می‌تواند عامل هدایت و نجات انسان باشد؛ بلکه هدایت درونی عقل باید در طول هدایت الهی و تشریحی انجام شود. از این منظر، رابطه عقل باطنی و عقل ظاهری یا حجت بیرونی و پیامبران، مانند رابطه نزول رحمت الهی با احیای زمین بابر یا شکوفایی زمین عقل است. در تأیید این مطلب، خداوند متعال در قرآن کریم، بارها انسان را به عقل‌ورزی فراخوانده است و کسانی را که از عقل خود استفاده نمی‌کنند، بدترین جنبندها را روی زمین به‌شمار آورده است (انفال، ۲۲).

از منظر قرآن کریم، یکی از دلایل استفاده نکردن انسان‌ها از عقل، تقلید کورکورانه از گذشتگان است؛ از این روی، خداوند متعال انسان‌ها را به اندیشیدن و تعقل در برخی امور همچون نشانه‌های خدا در هستی، زنده شدن زمین پس از مردن آن، اختلاف شب و روز، تنوع میوه‌ها، آفرینش انسان، آثار گذشتگان، محال بودن شریک برای خدا، نزول قرآن و برتری آخرت بر دنیا فراخوانده است. مرزوقی و صفری (۱۳۸۶) معیارهای رویکرد عقلانی در مسیر درست الهی را بدین شرح برشمرده‌اند:

- فراهم کردن امکان دستیابی به الگوهای دینی؛
- فراهم کردن امکان رشد و شکوفایی استعدادهای عقلانی؛
- جلوگیری از تحجر و خودمحوری؛
- امکان پذیرکردن داوری بین دین و خرافه؛
- ممانعت از ورود تلقین به تربیت دینی.

۳-۳-۱۳. معینان، مشوقان و موانع در تربیت عقلانی

عقل برای رشد، توسعه و شکوفایی به معینان و مشوقانی بدین شرح نیاز دارد:

(الف) علم‌آموزی: دانش، نقشی سازنده در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی دارد و در قرآن کریم با ذکر مثل‌هایی نقش علم نشان داده شده است؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت، ۴۳)؛ یعنی: «و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم و جز دانشوران آن‌ها را درنیابند».

(ب) تفکر: امام علی (ع) فرموده‌اند: «أَصْلُ الْعَقْلِ الْفِكْرُ وَ تَمَرَّتُهُ السَّلَامَةُ» یعنی ریشه عقل، اندیشیدن و نتیجه آن، سلامتی است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، صفحه ۱۹۸). و در جای دیگر می‌فرماید الْفِكْرُ يُنِيرُ اللَّبَّ یعنی فکرکردن، عقل را منور کرده و روشنی می‌بخشد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، صفحه ۳۱).

(ج) تقوا و تزکیه نفس: در آیه ۱۶۹ از سوره مبارکه اعراف آمده است: «أَلَمْ يَأْتِ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى بِبُحُرَى الْمَاءِ حَمِئًا فَذَرَوْهُنَّ حَالًا قَلِيلًا يُعْرَبْنَ أَلَمْ يَأْتِ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى بِبُحُرَى الْمَاءِ حَمِئًا فَذَرَوْهُنَّ حَالًا قَلِيلًا يُعْرَبْنَ»؛ یعنی: «آیا پیمان محکم آن کتاب بر آنان گرفته نشده است که جز حق را به خدا نسبت ندهند؛ درحالی که آنچه را در آن کتاب است، آموخته‌اند و خانه آخرت برای کسانی که تقوا پیشه می‌کنند، بهتر است؟ پس آیا نمی‌اندیشید؟»؛ بنابراین، هرچقدر انسان بیشتر به تزکیه نفس خویش اهتمام ورزد، بهره‌برداری از عقل نیز افزایش می‌یابد.

(د) فطرت و دل: فطرت به‌عنوان یک قطب‌نما و جهت‌یاب الهی، و دل نیز با معنای اسلامی آن، عقل ربانی را پشتیبانی و همراهی می‌کنند (مرزوقی، ۱۴۰۱).

(ه) روح علمی: این عامل، انسان را به‌سوی حقیقت سوق می‌دهد و موجبات رشد و شکوفایی عقل او را فراهم می‌کند.

(و) تجربه و بهره‌گیری از تجارب گذشتگان: عبرت‌گیری از تجارب دیگران موجب شکوفایی و بالندگی عقل انسان می‌شود.

(ز) پرسش و کاوشگری: در قرآن کریم به‌منظور شکوفاکردن فکر و عقل انسان از شگرد پرسش استفاده فراوان شده و بدین صورت، خداوند متعال فکر و عقل بشر را به‌منظور دستیابی به حقیقت در زمینه‌های گوناگون راهنمایی کرده است. نمونه‌هایی از سؤال‌های بارورکننده عقل آدمی را در این آیات می‌توان یافت: اعراف، ۱۸۵؛ غاشیه، ۱۷-۲۰؛ روم، ۵۰؛ طارق، ۵-۶؛ عبس، ۲۴-۲۸؛ شعراء، ۷؛ فصلت، ۵۳؛ ذاریات، ۲۰-۲۱؛ نحل، ۷۸؛ یوسف، ۱۰۹؛ روم، ۹؛ غافر، ۶؛ یس، ۷۷.

ح) همنشینی با دانشمندان و حکیمان: تأثیر مثبت همنشینی با دوست خوب بر انسان را نمی‌توان انکار کرد. همنشینی با علما سبب می‌شود انسان ناخودآگاه از آنان اثر پذیرد؛ همچنین علم انسان را افزایش می‌دهد و تهذیب نفس او را تقویت می‌کند.

ط) آینده‌نگری: در تربیت عقل، توجه به آینده، مسئله‌ای بسیار کارآمد و مؤثر است؛ زیرا انسان نباید گرفتار زمان حال باشد و توجه به آینده و لوازم و نتایج نهایی کار را فراموش کند. خداوند متعال در آیه هجدهم از سوره مبارکه حشر، خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ یعنی: «ای کسانی که ایمان آوردید! از خدا پروا دارید و هرکسی باید بنگرد که برای فردای خود، از پیش، چه فرستاده است. و از خدا بترسید. درحقیقت، خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است».

ی) مشورت: این عمل برای استفاده از چراغ عقل دیگران و به‌دست‌آوردن کلیدهایی بهتر به‌منظور حل مشکلات و گریز از لغزش‌ها مؤثر است.

در نهج البلاغه نیز مواردی همچون مشورت با دیگران (خطبه ۱۵۲)، حلم (حکمت‌های ۲۰۶ و ۲۰۷) و میانه‌روی (حکمت ۲۸۳) به‌عنوان حامیان رشد عقل ذکر شده است.

موانع: به‌طور کلی، موانع مختلفی بر سر راه عقل و شکوفایی آن قرار دارد که می‌توان آن‌ها را به اقسام فردی یا اجتماعی و درونی یا بیرونی تقسیم کرد. از نگاه امامین صادقین (ع)، موانع تربیت عقلانی عبارت‌اند از: تناسب‌نداشتن تربیت با سطح فکری متربی، پیروی از هوای نفس، دوری از اعتدال، خشم و غضب، دروغ‌گویی، حماقت و سفاهت، نبود امنیت و سلامت، طمع و فقر (تقی‌زاده پاسندی، قاسمی، و میریان، ۱۴۰۱). در نهج البلاغه نیز موانع رشد عقل، شامل مواردی از این دست ذکر شده است: خودپسندی (حکمت ۲۱۲)، دشمنی و غضب (خطبه ۸۵)، دنیاگرایی (خطبه ۴۳)، حب و عشق (خطبه ۱۰۸)، عجب (حکمت ۲۰۳)، هوای نفس (حکمت ۲۰۲)، طمع (حکمت ۲۱۰)، شرب خمر (حکمت ۲۵۲)، دوستی با افراد نادان (حکمت ۲۹۳)، سبک‌سری و شوخی زیاد (حکمت ۴۵۰) و شهوت (حکمت ۴۱۶).

عشوری، حیدری و بختیار نصرآبادی (۱۳۹۲) موانع تربیت عقلانی را از دیدگاه شهید مطهری به سه دسته اخلاقی، اجتماعی و جسمی تقسیم کرده و بزرگ‌ترین مانع تربیت عقلانی را پیروی از هوای نفس معرفی کرده‌اند.

۳-۳-۱۴. متدها (روش‌های) تحقق بخشیدن اهداف تربیت عقلانی

در منابع اسلامی، توجه به پرورش بُعد عقلانی وجود انسان اهمیت فراوان دارد. از منظر قرآن، پرورش یافتن عقل جز در بستر علم محقق نمی‌شود. برای عاقل بودن باید علم و معرفت لازم را کسب کرد؛ اما در عین حال باید به خاطر داشت که هر عالمی عاقل نیست. علت مبعوث شدن پیامبران نیز بیدار کردن فطرت و توانایی‌های درونی آدمی و تربیت عقلانی انسان‌ها بوده است و کمال انسانی در پر تو پرورش عقلانیت او تحقق می‌یابد. در منابع اسلامی، روش‌هایی برای تربیت عقلانی ذکر شده است. در ادامه، برخی روش‌های کارآمد در شیوه تربیتی مبتنی بر عقلانیت ذکر می‌شود. مرزوقی و صفری (۱۳۸۶) روش‌های تربیت عقلانی را بدین شرح بر شمرده‌اند:

الف) تزکیه: پیروی از هوس‌ها موجب می‌شود عمل زشت، نیک و عمل نیک، زشت جلوه کند؛ به عبارت دیگر، انسان از طریق تزکیه و کنترل هوس‌های نفسانی می‌تواند به تربیت عقلانی دست یابد؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَأَهُ حَسَنًا»؛ یعنی: «کردار زشتش برای او زینت داده شد؛ پس آن را خوب و زیبا دید» (فاطر، ۸).

ب) تعلیم حکمت: خداوند متعال در آیات متعدد، حکمت را به عنوان یک ارزش مهم معرفی کرده و تعلیم کتاب و حکمت را از مأموریت‌های پیامبران الهی و خود را پروردگاری حکیم دانسته است (بقره، ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۳۱؛ آل عمران، ۵۸ و ۱۶۴؛ اسراء، ۲۹؛ احزاب، ۳۴). خالق یکتا تعلیم‌دهی حکمت به مردم از سوی خود و پیامبرانش را زمینه‌ساز تزکیه و پاک‌سازی آنان از آلودگی‌های اخلاقی دانسته و از این روی، تعلیم حکمت را مقدم بر تزکیه به‌شمار آورده است (بقره، ۱۲۹).

ج) علم‌آموزی: کسب علم، رشد عقل را در پی دارد و شرط تعقل مطلوب نیز بهره‌گیری از علم است.

د) تجربه‌اندوزی: تجربه عبارت است از تعامل فرد با محیط اطراف خود. هرچقدر این تعامل بیشتر باشد، زمینه‌ای مساعدتر برای رشد عقل فراهم می‌شود. تجربه باعث پختگی فرد می‌شود، اشتباهات وی را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود فرد به میزان کمتری از روش آزمایش و خطا استفاده کند.

ه) عبرت‌آموزی: یکی از عوامل مؤثر در تربیت عقلانی، عبرت‌آموزی است که در منابع

اسلامی و به ویژه قرآن کریم، بارها به آن اشاره شده؛ چنان که در آیه دوم از سوره مبارکه حشر آمده است: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»؛ یعنی: «پس ای صاحبان بصیرت! عبرت بگیرید!». حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، فایده عبرت گرفتن را دستیابی به بصیرت دانسته و فرموده‌اند: «در هر عبرت‌گیری بصیرتی نهفته است و ثمره بصیرت نیز فهم و کسب علم است. هرکس عبرت گرفت، بصیرت یافت و هرکس بصیر شد، فهم می‌شود و هرکس فهمید، عالم می‌شود» (حکمت ۲۰۸).

و) مشورت با خردمندان: در منابع اسلامی، مشورت با خردمندان، یکی از عوامل رشد عقل انسان دانسته شده؛ چنان که خداوند متعال در آیات متعدد، انسان‌ها را به مشورت سفارش کرده است؛ مانند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»؛ یعنی: «در کارها با آن‌ها مشورت کن» (آل عمران، ۱۵۹) و نیز: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»؛ یعنی: «و کارشان در میانشان [بر پایه] مشورت است» (شوری، ۳۸).

عشوری و خوشناموند (۱۴۰۱) روش‌های تربیتی عقلانی از دیدگاه شهید مطهری را بدین شرح برشمرده‌اند:

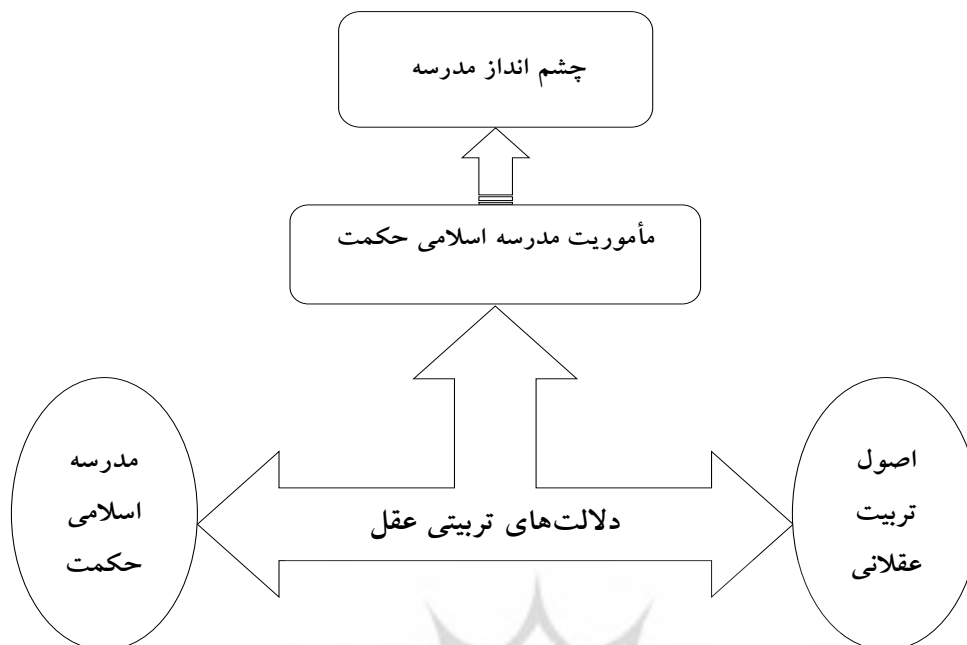
- تزکیه نفس؛
 - بهره‌گیری از عنصر تعبد در مسیر زندگانی؛
 - عادت به تفکر و تعقل؛
 - تجربه‌اندوزی؛
 - توان‌سنجی عقلی؛
 - آموزش مبتنی بر تفاوت‌های فردی؛
 - هدایت فرایند یادگیری؛
 - الگوسازی و الگوپذیری؛
 - جمودستیزی فکری و بازاندیشی ذهنی؛
 - زمینه‌سازی برای صورت‌گرفتن بحث‌های آزاد. طالع‌ات فریبگی
- قاسم‌پور (۱۳۹۰) موارد زیر را به‌عنوان روش‌های تربیتی عقلانی ذکر کرده است:
- زمینه‌سازی برای ایجاد علم و فراگیری و حکمت در متعلم؛
 - تهذیب نفس؛
 - ایجاد زمینه برای پرسشگری و نقد در متعلم؛
 - ایجاد زمینه‌های تفکر و خلاقیت در مربی.

۳-۳-۱۵. محصول تربیت عقلانی

محصول و هدف نهایی تعلیم و تربیت عقل گرا عبارت است از تربیت متربی دارای ویژگی‌های اولوالالباب و دارای خرد ناب اسلامی. در تربیت عقلانی اسلامی بر عقل در معنای جامع اسلامی آن و درپرتو هدایت الهی پیامبران تمرکز می‌شود. در این معنا عقل به عنوان حجت و رسول باطنی با حجت و رسول ظاهری ملازمت می‌یابد و آن‌گاه تربیت حقیقی عقلانی اسلامی محقق می‌شود. عقل در معنای جامع اسلامی آن، یک عنصر مسئول الهی و عامل هدایت و نجات انسان در هماهنگی با هدایت پیامبران الهی است. عقل در معنای جامع اسلامی آن، در هماهنگی با فطرت، روح، نفس و قلب به شکل‌گیری سبک زندگی حکیمانه اسلامی می‌انجامد و انسان را به جایگاه حقیقی خویش، یعنی مقام خلیفه‌اللهی می‌رساند. به‌منظور حرکت کردن در مسیر سبک زندگی حکیمانه، در این پژوهش، با تحلیل اسنادی صورت گرفته، الزام‌های نظری مدرسه اسلامی حکمت را در قالب ۲۱ الزام تربیتی معرفی گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

تربیت عقل در نظام‌های تربیتی، یکی از کارهای اساسی و مهم در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. عقل، دارای ابعاد نظری، عملی و معنوی است. از منظر متون اسلامی، عقل نظری و عملی صرفاً جنبه نظری، شناختی و کرداری محض ندارند؛ بلکه هر دو آن‌ها باید در مقام ضبط و بازداري اندیشه، گفتار و رفتار باشند و در نهایت، زمینه مناسب را برای هدایت و رستگاری انسان فراهم آورند؛ به دیگر سخن، عقل نظری و عقل عملی باید در مسیر هدایت الهی قرار گیرند تا معنای جامع عقل‌ورزی و عقلانیت اسلامی و الهی حاصل شود؛ بنابراین باید در خصوص تربیت انسان و فرایند تربیتی مرتبط با محور عقل اندیشید و مطابق آنچه در شکل ۳ دیده می‌شود، نظام تربیتی متناسبی را طراحی و اجرا کرد.



شکل ۳. الگوی پیشنهادی برای تربیت عقلانی با رویکرد اسلامی

در این نظام تربیتی، هدف، تربیت متربی با ویژگی خرد ناب اسلامی است. در مدرسه اسلامی حکمت، تربیت متربیان با تمرکز بر پرورش تمام ابعاد عقل صورت می‌گیرد تا درسیه این پرورش مطابق با آموزه‌های الهی، زندگی متربی در مسیر دستیابی به مرتبه قرب الهی و عبودیت قرار گیرد و پیش رود. معرفت در تربیت عقلانی از نوع آگاه‌شدگی بیرونی است و معرفت موردنظر در مدرسه اسلامی حکمت، از نوع حکمت است. این معرفت نه تنها ناظر به تعهد و التزام درونی به عمل است؛ بلکه معطوف به تفکر و عمل هدایت‌ورزانه و الهی نیز هست. در این پژوهش برای اولین بار برپایه نظریه ساختاری- عملکردی عقل‌محور، دلالت‌های تربیتی عقل به‌گونه ویژه مدرسه اسلامی حکمت در قالب ۲۱ عامل یا الزام تربیتی معرفی شد.

پژوهش حاضر در مقایسه با تحقیق‌های قبلی مرتبط با موضوع، امتیازهایی بدین شرح دارد: نخست، آنکه مطابق جدول ۱، سطح بررسی عوامل مرتبط با تربیت عقلانی در پژوهش‌های قبلی، حداکثر چهار مورد بوده؛ اما در این پژوهش، ۲۱ عامل تربیتی بررسی شده است؛

همچنین در پژوهش پیش‌روی با توجه به این عوامل، الگوی تربیت عقلانی با رویکرد اسلامی ویژه مدرسه اسلامی حکمت نیز به دست داده شده است.

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های انجام‌شده درباره تربیت عقلانی

پژوهش	یافته
قیصری گودرزی (۱۴۰۲)	ارائه مبانی و اصول تربیت عقلانی از دیدگاه امام علی (ع)
عشوری و خوشناموند (۱۴۰۱)	ارائه مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری
تقی‌زاده پاسندی، قاسمی و میریان (۱۴۰۱)	ارائه آثار و اهداف تربیت عقلانی با تکیه بر سیره صادقین (ع)
عادل‌زاده‌نایینی، نوروزی و رحمانی (۱۴۰۱)	ارائه اهداف، اصول و روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از دیدگاه فارابی
آقایی و شرفی (۱۳۹۹)	ارائه اهداف، اصول و روش تربیت عقلانی از دیدگاه علامه طباطبائی
رضایی، نوروزی و سپاهی (۱۳۹۷)	ارائه کارکردهای تربیت عقلانی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی
پورمحمودی و ملکی (۱۳۹۴)	ارائه اهداف و اصول و روش‌های تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری
بهشتی و رشیدی (۱۳۹۲)	ارائه اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع)
قاسم‌پور (۱۳۹۰)	ارائه راهکارهای تربیت عقلانی از دیدگاه علامه طباطبائی
خلیفه و مرعشی (۱۳۹۰)	ارائه مبانی، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از قرآن و روایات
صفایی مقدم، رشیدی و پاک‌سرشت (۱۳۸۵)	ارائه مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری

برای دستیابی به اهداف تربیت عقلانی، الزام‌هایی ۲۱ گانه وجود دارند که باید براساس آن‌ها مسیر دستیابی به تربیت حکیمانه را طی کرد. بهره‌گیری از این الزام‌ها انسان را در مسیر دستیابی به اهداف مورد نظر از این‌گونه تربیت یاری می‌دهد و هدایت می‌کند؛ همچنین از این الزام‌ها می‌توان به‌عنوان راهنمای والدین، معلمان، مدیران، متخصصان و دیگر دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت استفاده کرد. هدف اصلی این پژوهش، به دست دادن یک الگوی ویژه مدرسه اسلامی حکمت از منظر دلالت‌های تربیتی عقل بوده؛ لذا با توجه به محدودیت در بسط مطالب، امکان بررسی همه‌جانبه موضوع و پیشنهاد کردن راهکارهای

عملیاتی برای اجرا و مدیریت مدرسه اسلامی حکمت در این چهارچوب وجود نداشته است و بنابراین، بررسی‌های عمیق‌تر در مجالی گسترده‌تر ضرورت دارد؛ از این رو، پیشنهادها زیر می‌توانند به‌عنوان موضوعات قابل تأمل و کاربردی، مورد توجه محققان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش و پرورش در پژوهش‌های آتی قرار گیرند:

- عرضه الگوی عملیاتی مدرسه اسلامی حکمت از منظر دلالت‌های تربیتی عقل؛
- تبیین عناصر برنامه درسی مدرسه اسلامی حکمت از منظر دلالت‌های تربیتی عقل؛
- به‌دست‌دادن الگوی مدرسه اسلامی عرفان از منظر دلالت‌های تربیتی دل؛
- عرضه کردن الگوی مدرسه اسلامی فطرت از منظر دلالت‌های تربیتی فطرت؛
- به‌دست‌دادن الگوی مدرسه اسلامی تزکیه از منظر دلالت‌های تربیتی نفس.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۸). (محمد مهدی فولادوند، مترجم). تهران: پیام عدالت.
- نهج البلاغه (۱۴۰۱). (محمد دشتی، مترجم) (چاپ ۴). مشهد: به‌نشر.
- آقایی، زینب؛ و شرفی، محمدرضا (۱۳۹۹). تربیت عقلانی با تأکید بر مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی علامه طباطبایی (ره). فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸(۴۶)، ۷۷-۱۰۲.
- ابراهیمی دینانی، غلام‌حسین (۱۳۸۲). عقلانیت و معنویت در اسلام. فصلنامه هفت آسمان، ۵(۲۰)، ۹-۳۰.
- ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳ق). عوالی الالائی الغریزیه فی الأحادیث الدینیة (جلد ۱). قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع).
- باقری، خسرو (۱۴۰۱). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد ۱) (چاپ ۵۲). تهران: مدرسه.
- بهشتی، سعید (۱۳۹۹). تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت (چاپ ۲). تهران: بین‌الملل.
- بهشتی، سعید؛ و رشیدی، شیرین (۱۳۹۲). اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع). فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۸، ۵۱-۶۷.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۱). از عقل قدسی تا عقل ابزاری. فصلنامه علمی علوم سیاسی، ۱۹، ۷-۱۶.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار رسول اکرم با ترجمه فارسی (چاپ ۳). تهران: دنیای دانش.

الگوی مدرسه اسلامی حکمت از منظر ... / رحمت‌اله مرزوقی و سجاد رضاییان ۳۳

پور محمودی، عارف؛ و ملکی، حسن (۱۳۹۴). تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری و پیامدهای تربیتی آن. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹، ۴۸-۲۹.

تقی‌زاده پاسندی، مرضیه؛ قاسمی، حمید محمد؛ و میریان، سید احمد (۱۴۰۱). سبک تربیت عقلانی در سیره صادقین (ع). سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۲۹، ۱۵۳-۱۶۳.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم (چاپ ۲). قم: دارالکتاب الإسلامی.

جعفری، محمد تقی (۱۳۹۷). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر فرهنگ و اندیشه اسلامی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم موضوعی قرآن کریم. قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر موضوعی قرآن کریم: مبادی اخلاق در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.

خلیفه، قدرت‌الله؛ و مرعشی، سید منصور (۱۳۹۰). مبانی، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از منظر قرآن و روایات. فصلنامه مطالعات اسلامی در تعلیم و تربیت، ۳، ۳۵-۷۲.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). سیری در تربیت اسلامی (چاپ ۳). تهران: دریا.
رضایی، محمد جعفر؛ نوروزی، رضا علی؛ و سپاهی، مجتبی (۱۳۹۴). غایت‌شناسی تربیت عقلانی در ساحت فردی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۵، ۳۹-۵۷.

رضایی، محمد جعفر؛ نوروزی، رضا علی؛ و سپاهی، مجتبی (۱۳۹۷). کارکردهای تربیت عقلانی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶(۳۸)، ۲۹-۵۳.

ساجدی، ابوالفضل؛ و خطیبی، حسین (۱۳۹۲). مفهوم تربیت عقلانی در سبک اسلامی تربیت دینی. ماهنامه معارف، ۹۷، ۲۴-۲۷.

شکوهی، غلام حسین (۱۳۸۱). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: آستان قدس رضوی.
صفایی مقدم، مسعود؛ رشیدی، علیرضا؛ و پاک‌سرشت، محمد جعفر (۱۳۸۵). بررسی اصل عقلانیت در منابع اسلامی و استلزامات تربیتی آن. علوم تربیتی، ۱۳(۴)، ۱-۲۹.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (جلد ۳). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

عادل‌زاده نایینی، فریبا؛ نوروزی، رضا علی؛ و رحمانی، جهان‌بخش (۱۴۰۱). الگوی تربیت عقلانی از منظر فارابی با تأکید بر عقل عملی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۳(۱۸)، ۱۱۹-۱۴۱.

- عشوری، مریم؛ حیدری، محمدحسین؛ و بختیار نصرآبادی، حسن علی (۱۳۹۲). موانع تربیتی از دیدگاه شهید مطهری. مجله معرفت، ۱۹۴، ۱۰۱-۱۱۴.
- عشوری، مریم؛ و خوشنماوند، محسن (۱۴۰۱). تحلیل مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۵۶، ۳۱۷-۳۴۸.
- عظمت‌مدار فرد، فاطمه؛ و بدخشان، نعمت‌الله (۱۳۹۰). بررسی نظریه فطرت از دیدگاه قرآن و ارتباط آن با تربیت. پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ۴، ۲۵-۵۴.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۵). آراء أهل المدينة الفاضلة و مضاداتها (علی بوملحم، مقدمه‌نویس، شارح و تعلیقه‌نویس) (چاپ ۱). بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- قاسم‌پور، محسن (۱۳۹۰). جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی. نشریه پژوهش دینی، ۲۲، ۶۶-۹۰.
- قانع، احمدعلی؛ و عصاره‌نژاد دزفولی، سینا (۱۳۹۶). دلالت‌های نظریه فطرت در نظام تربیتی اسلام. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۵(۹)، ۳۷-۶۴.
- قیصری گودرزی، کیومرث (۱۴۰۲). تحلیل مفهوم عقل از دیدگاه امام علی (ع) و استنتاج دلالت‌های آن در مبانی و اصول تربیت عقلانی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۵۸)، ۱۲۰-۱۵۴.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۴۲۶ق). اصول الکافی (چاپ ۱). بیروت: دار المرتضی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. جلد ۵۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مداحی، جواد؛ شرفی جم، محمدرضا؛ و باقری نوع‌پرست، خسرو (۱۳۹۶). بررسی معنای زندگی بر اساس دیدگاه انسان‌شناختی علامه جعفری و اصول تربیتی ناظر بر آن. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۵(۸)، ۳۵-۵۸.
- مرزوقی، رحمت‌الله (۱۴۰۱). نظریه‌های ساختاری در پارادایم تعلیم و تربیت (چاپ ۶). تهران: آوای نور.
- مرزوقی، رحمت‌الله؛ و امیری، مهدی (۱۳۹۷). دلالت‌های تربیتی فطرت در مدرسه موحدانة اسلامی. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات اسلامی، ۹، ۱۲۱-۱۳۴.
- مرزوقی، رحمت‌الله؛ و صفری، یحیی (۱۳۸۶). مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی. دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۵، ۱۱۵-۱۳۴.
- مصباح، علی (۱۳۷۴). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.

الگوی مدرسه اسلامی حکمت از منظر ... / رحمت‌اله مرزوقی و سجاد رضاییان ۳۵

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار (جلد ۱) (چاپ ۱۷). تهران: صدرا.
ملکی، حسن (۱۳۸۳). اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری. فصلنامه مصباح، ۵۰،
۱۰۳-۱۲۶.

نوروزی کوهدشت، رضا؛ و مهدیان، محمدجعفر (۱۳۹۵). رویکردی در نظریه ساختاری-
عملکردی مبتنی بر تعلیم و تربیت فطرت‌گرا. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۳(۳۸)، ۵۵-
۷۳.

هاشمی رکاوندی، سید مجتبی (۱۳۷۵). تربیت و شخصیت انسانی (جلد ۳). تهران: بوستان کتاب.
هوشیار، محمدباقر (۱۳۳۵). اصول آموزش و پرورش. تهران: دانشگاه تهران.

